

## مالیات در نظام حقوقی ایران در پرتو اندیشه شهید دکتر بهشتی (ره)

محمدصادق داریوند<sup>۱</sup>

علی‌رضا الیکایی آهاری<sup>۲</sup>

ولی رستمی<sup>۳</sup>

### چکیده

یکی از مباحث مهمی که حکومت اسلامی با آن سروکار دارد، مسئله مالیات و منابع مالی شرعی است که از جمله آن خمس، زکات، جزیه، خراج و انفال می‌باشد. امروزه با عنایت به گسترش تکالیف دولت‌ها، این امکان وجود دارد که این منابع برای اداره جامعه کافی نباشد؛ از این رو نظام حکمرانی ناچاراً دست به وضع مالیات‌هایی می‌زند که این مهم در هنگام تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل ۵۱ خود را نشان داد. یکی از افرادی که در روند تصویب این اصل نقشی به‌سزا و غیرقابل انکار داشته است، مرحوم شهید بهشتی است و به همین منظور نوشتار حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که «مالیات در نظام حقوقی ایران از چه جایگاهی در اندیشه شهید بهشتی برخوردار است؟» نتایج این تحقیق نشانگر آن است که اولاً شهید بهشتی از جمله قائلین به مشروعیت و جواز وضع مالیات‌های جدید توسط حکومت اسلامی علاوه بر مالیات‌های شرعی است. ثانیاً ایشان اصل اولی در وضع مالیات را مالیات به شکل مستقیم دانسته که به صورت تصاعدی از درآمد مشروع افراد اخذ می‌شود و مالیات‌های غیرمستقیم صرفاً هزینه‌ای است که دولت برای تولید یک کالا می‌پردازد و بر قیمت تمام شده آن می‌افزاید و از این منظر مشکلی با مبانی فقهی نخواهد داشت.

**واژه‌های کلیدی:** حکومت اسلامی، شهید بهشتی، قانون اساسی، مالیات، ولایت فقیه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۷

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و حقوق عمومی، دانشگاه امام صادق (ع). (نویسنده مسئول) s.darivand@isu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و حقوق اقتصادی، دانشگاه امام صادق (ع). Elikae77@isu.ac.ir

۳. استاد گروه حقوق عمومی، دانشگاه تهران. vroostami@ut.ac.ir

## مقدمه

از لحاظ کلی، وضع و اخذ مالیات از جمله تجلیات فرمانروایی و تسلط دولت‌ها به حساب می‌آید و به عنوان اساسی‌ترین منبع مالی و عایدی‌های عمومی دولت، دارای اثر ممتاز و چشمگیری در تدارک مخارج عمومی است و به همین جهت در نظر دولت‌ها از ارزش و اهمیت به‌سزایی بهره‌مند است (Rostami & Karbasiun, 2016: 250). یکی از مسائل مهمی که در رابطه با مالیات در نظام اسلامی مطرح می‌شود، آن است که آیا حکومت اسلامی برای اداره جامعه بایستی صرفاً محدود به منابع مالی شرعی و مالیات‌های منصوص اسلامی از قبیل خمس، زکات، فیه انفال، جزیه، خراج و... باشد یا اینکه می‌تواند عنداللزوم برای تأمین هزینه‌های جاری کشور اسلامی اقدام به وضع و اخذ مالیات نماید؟ این پرسش در هنگام تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی مورد بحث و مناقشه در میان فقها بوده است تا اینکه در اصل ۵۱ این مهم مورد تأکید قرار گرفت. یکی از فقها و اندیشمندان حاضر در مجلس خبرگان قانون اساسی که با توضیحات خود در برطرف ساختن نقاط ابهام دیگر اعضای حاضر در مجلس مذکور داشته و نقشی کلیدی در تصویب و تثبیت نهاد مالیات در نظام حقوقی ایران ایفا نمود، مرحوم شهید آیت الله دکتر بهشتی است. ایشان به جهت بهره‌مندی علمی و فقهی از محضر فقیهان شاخص و ممتازی چون آیت‌الله العظمی بروجردی (ره)، علامه طباطبایی (ره)، آیت‌الله خوانساری (ره) و امام خمینی (ره)، برخوردار از تحصیلات دانشگاهی و کسب مدرک دکتری از دانشگاه تهران، انجام مبارزه سیاسی جدی با نظام طاغوت و زندانی شدن توسط ساواک، حضور در شورای انقلاب، نایب رئیس بودن در مجلس خبرگان قانون اساسی و اداره بیشتر جلسات توسط ایشان و ریاست دیوان عالی کشور و شورای عالی قضایی از جمله ابعاد برجسته و ممتاز زندگانی شهید بهشتی است (Darivand & Tahan Nazif, 2023: 2-3) که حکایت از اهمیت و ارزش والای جایگاه اندیشه ایشان در پژوهش حاضر دارد.

تحقیق پیش‌رو با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش‌های کلیدی است که "نظام حقوق مالیاتی ایران از چه جایگاهی در اندیشه شهید بهشتی برخوردار است؟ انواع مالیات‌ها در نظام اقتصادی اسلام به زعم ایشان شامل چه دسته‌بندی می‌باشد؟ ایشان جزء کدام دسته از فقها در ارتباط با جواز و مشروعیت یا عدم جواز و مشروعیت وضع مالیات قرار می‌گیرند؟ و در نهایت انواع مالیات‌ها در نظام حقوقی ایران که مشتمل بر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم است در منظر و دیدگاه ایشان چگونه ارزیابی می‌شود؟" تاکنون در ارتباط با مسائل مختلف حوزه مالیات تحقیقات گوناگون و متعددی به رشته تحریر درآمده است که ذکر کامل آنها در این مجال نمی‌گنجد لکن تاکنون پژوهشی در تبیین نظر و اندیشه شهید بهشتی در این خصوص به رشته تحریر درنیامده است؛ از این رو وجه نوآورانه مقاله حاضر در آن است که در یک اثر پژوهشی مستقل نسبت به تحلیل و بررسی اندیشه شهید بهشتی (ره) پیرامون حوزه مالیاتی همت گماشته است و در این راستا تنها متکی

به صورت مشروح مذاکرات قانون اساسی نبوده و سعی بر آن داشته تا با یک دید کل نگر همه آثار مکتوب برجای مانده از دکتر بهشتی را در جهت تشریح و تبیین دیدگاه‌های ایشان در این زمینه برای قشر فرهیخته و نخبگان جامعه بررسی نماید.

به همین مناسبت مقاله حاضر در ۴ بخش اصلی سامان و انتظام یافته است. در ابتدا نسبت به مفهوم‌شناسی مالیات اقدام شده (۱) سپس انواع مالیات‌ها در فقه اسلامی از نگاه شهید بهشتی مورد تبیین واقع گشته است. (۲) در بخش سوم مقاله ضمن تشریح دیدگاه فقهای قائل به جواز یا عدم جواز وضع و اخذ مالیات توسط حکومت اسلامی، دیدگاه شهید بهشتی مورد تشریح قرار گرفته (۳) و در بخش پایانی تحقیق نظام حقوق مالیاتی ایران در دو محور قانون اساسی و قانون عادی از نگاه ایشان به زیر ذره‌بین می‌رود. (۴)

### مفهوم‌شناسی مالیات

در این بند برای شروع بحث به بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی مالیات که به نوعی اساس پژوهش حاضر به شمار می‌رود، پرداخته می‌شود.

#### مفهوم لغوی

مالیات در لغت واژه‌ای عربی است که در زبان فارسی، با واژه‌های با معنای باج، خراج، ارتفاع، حاصل و محصول به کار رفته است. این واژه جمع مالیه به معنای آن چیزی که به دارایی و اموال متعلق می‌گردد، می‌باشد. (Homan, 1986: 167)

همچنین کلمه «ضریبه» در زبان عربی نیز به معنای مالیات استعمال شده است که جمع آن واژه «ضرایب» بوده و از ریشه واژه «ضرب» به مفهوم وضع و جعل کردن اقتباس شده است. این واژه نیز به مفهوم عوارض، باج و خراج، مالیات و حقوق گمرکی مورد استفاده قرار گرفته است (Ibn Manzoor, 1993: 550).

#### مفهوم اصطلاحی

مالیات در اصطلاح به سهمی اطلاق می‌شود که بر اساس اصل تعاون و همکاری ملی و نیز بر طبق قوانین، هریک از شهروندان ساکن در یک کشور وظیفه دارند تا بخشی از ثروت و درآمد خویش را در راستای تأمین هزینه‌های عمومی و نیز به منظور نگاهبانی از منافع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی کشور به اندازه تمکن مالی خود به دولت بپردازند (Jafari Langroudi, 2007: 601). به عبارت بهتر مالیات به قسمتی از درآمد، ثروت شخصی، فروش و قسمتی از هر گونه پایه حقوقی دیگری گفته می‌شود که حکومت و بالتبع آن دولت، از همه اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی و بر مبنای موازین قانونی دریافت می‌دارد (Raei & others, 2020: 341). بر مبنای این مفهوم، مالیات دارای چهار مشخصه اساسی، الزامی بودن، بلاعوض بودن، پرداخت برحسب

تمکن مالی و پرداخت به جهت تأمین هزینه‌ها و اجرای سیاست‌های عمومی مالی کشور می‌باشد (Rostami, 2022: 81).

بنابراین در مقام جمع‌بندی می‌توان مالیات را این‌گونه توصیف کرد: «آن دسته از حقوق مالی که حاکم جامعه اسلامی بنابر شرایط خاصی می‌تواند آن را جعل کند و از نظر مقدار و میزان و موارد مصرف آن در مکتب اسلام، نسبت مخصوصی در نظر گرفته نشده است بلکه نسبت آن تابع مخارج ضروری ویا بر اساس تشخیص مصلحت توسط حاکم اسلامی یا ولی‌امر خواهد بود» (Rostami & others, 2023: 311).

### اقسام مالیات در نظام اسلامی

مالیات از نظر فقهی در نظام اسلامی بر دوگونه مالیات‌های منصوص (مالیات‌های تعیین شده در فقه اسلامی) و مالیات‌های حکومتی (مالیات‌های تعیین شده توسط حکومت اسلامی) می‌باشند که در ادامه مورد بررسی و مذاقه قرار می‌گیرند.

#### مالیات‌های منصوص

در یک تقسیم‌بندی از نگاه دین مبین اسلام عبادات بر دو قسم بدنی و مالی تقسیم می‌شوند. عبادات بدنی شامل آن قسم از عباداتی می‌شود که انسان آن را با اعضاء و جوارح خویش مانند نماز، روزه، حج و... به جای می‌آورد لکن دسته دیگری از عبادات نیز وجود دارند که این عبادات مانند پرداخت خمس یا زکات، عبادات مالی نامیده می‌شوند. این مالیات‌ها که جزء منابع مالی دولت اسلامی تلقی می‌شوند خود بر دو نوع اصلی درآمدهای ثابت از قبیل خمس، زکات و درآمدهای متغیر نظیر خراج و جزیه می‌باشند که در این بخش به تشریح این منابع مالی پرداخته می‌شود. شهید بهشتی درخصوص این نوع از مالیات‌ها اعتقاد دارد: «قسمتی از مالیات‌های اصلی اسلامی یعنی زکات و خمس به وسیله خود مردم پرداخت می‌شود و به مصرف می‌رسد و دولت بر پرداخت آن‌ها نظارت می‌کند و از کسانی که خود پرداخت نکنند می‌گیرد و در مصارف مقرر مصرف می‌کند. پرداخت این مالیات‌ها طبق تعالیم اسلامی باید به صورت عبادت مالی و انفاق در راه خدا و با قصد قربت همراه باشد، بنابراین نظام وصول و پرداخت آن‌ها چنان خواهد بود که این جنبه سازنده محفوظ بماند و پرداخت‌کننده با احساس تعهد الهی و دینی بدان اقدام کند و از رشد عاطفی و معنوی که از این راه به دست می‌آورد، برخوردار گردد» (Hosseini Beheshti, 2009: 471).

#### خمس

از دیگر درآمدهای ثابت دولت اسلامی، خمس می‌باشد که اصل آن در قران کریم و روایات ماثوره ثابت گردیده است اما در موارد آن میان مذاهب اسلامی اختلاف وجود دارد. به عنوان نمونه فقهای مکتب امامیه، خمس بر

سود کسب و کارها را پذیرفته‌اند اما فقهای اهل سنت آن را قبول ندارند (Raei & others, 2020: 341). به عقیده شهید بهشتی، خمس به‌خلاف زکات که مالیات بر اصل مال شخص دارای تمکن مالی بود، به مالیات بر درآمدهای سرشاری گفته می‌شود که میزان پرداخت آن برخلاف زکات که متغیر بود، ثابت بوده و به اندازه یک‌پنجم معادل ۲۰٪ می‌باشد (Hosseini Beheshti, 2018 (A): 171). به عبارت دیگر خمس یک مورد گسترده دارد که درآمد خالص سالانه بوده و آن زمانی است که شخص درآمدی بیش از هزینه‌های سالیانه خویش داشته باشد و این مالیات شامل همه افراد جامعه اسلامی بوده و برخلاف زکات فقط به کشاورز و دامدار محدود نمی‌باشد (Hos-seini Beheshti, 2018 (B): 119). بنابراین به عقیده شهید بهشتی درآمد سرشاری که در پرتو نظام اسلامی نصیب آن می‌شود، دارای مالیات معینی به میزان ۲۰٪ بوده که مستقیماً در اختیار حکومت قرار می‌گیرد تا برطبق آیه ۴۱ سوره انفال برای خدا و خویشان پیامبر، یتیمان، مساکین و در راه‌ماندگان به مصرف برسد (Hosseini Beheshti, 2018 (A): 174).

## زکات

زکات که یکی از بنیان‌های مهم مکتب اسلام تلقی می‌شود، در لغت هم به معنای پاکی و هم به معنای رشد و کثرت استعمال شده است و در اصطلاح فقه امامیه به مقادیر مشخصی اطلاق می‌شود که افراد مسلمان که اموال زکوی آنها به حد نصاب رسیده باشد می‌بایستی زکات اموال خود را به عنوان یک واجب و فریضه مالی پرداخت نمایند (Dadashi Niaki, 2006: 110).

زکات در شرع مقدس اسلام بر دو نوع است:

### ۱. زکات ابدان (فطره)

مالیاتی است که در شب عید فطر هر سال بر فرد مسلمان واجب می‌شود و مقدار آن به میزان یک صاع معادل تقریباً سه کیلوگرم از قوت غالب معمول شخص بدست می‌آید که برای خود و خانواده‌اش آن را می‌پردازد.

### ۲. زکات اموال

مالیاتی است که از دیدگاه مشهور فقهای امامیه بر موارد نه‌گانه شامل سه قسم زکات بر درآمد کشاورزی (گندم، جو، خرما و کشمش)، زکات بر دارایی دامداری (شتر، گاو و گوسفند) زکات بر سرمایه راکد (طلا و نقره) تعلق می‌گیرد (Rostami, 2022: 67).

از نگاه شهید بهشتی، زکات بر اموال یکی از مالیات‌های منصوص اسلامی است که پیامبر اسلام (ص) در سال دهم هجری با در نظر گرفتن ۴ بعد اصلی مقرر فرمود که عبارتند از:

۱. موارد که شامل سه قسم زکات بر درآمد کشاورزی (گندم، جو، خرما و کشمش)، زکات بر دارایی دامداری (شتر، گاو و گوسفند) زکات بر سرمایه راکد (طلا و نقره) می‌باشد.

۲. حدنصاب به معنای حد توانایی اشخاص در پرداخت زکات بر حسب درآمدهای ناخالص خود می‌باشد.
۳. میزان پرداخت که حداقل یک‌چهارم معادل  $\frac{2}{5}$ ٪ تا حداکثر یک‌دهم معادل ۱۰٪ می‌باشد.
۴. مصارف آن که در آیه ۶۰ سوره توبه شامل فقراء، مساکین، کارگزاران زکات، به منظور جلب نظر مخالفان، آزادسازی بردگان، بدهکاران، در راه خدا و در راه‌ماندگان می‌شود (Hosseini Beheshti, 2018 (A): 168-169; (Hosseini Beheshti, 2018 (B): 119

### خراج

خراج در لغت به مفهوم سود، درآمد و محصول زمین بوده که به مرور در عرف عام به مفهوم مالیات و در عرف خاص به مفهوم مالیات بر زمین اطلاق شده است و این امر در صدر اسلام واقع شد؛ زیرا در حکومت ساسانی به مالیات بر زمین لفظ (خراج) اطلاق می‌شد و معنای لغوی آن نیز متناسب بود؛ چراکه محصول زمین و یا بخشی از سود زمین به شکل مالیات دریافت می‌شد (Mudarrisi Tabatabaei, 1983: 14-15). از نگاه شهید بهشتی، خراج به معنای بخشی از ثمر و کارکرد اقتصادی زمین‌هایی است که در اختیار دولت اسلامی بوده که بر اساس قرارداد برای آبادانی و عمران و نیز بهره‌وری به بخش خصوصی واگذار می‌شود (Hosseini Beheshti, 2010: 579). به عبارت دیگر خراج به مالیاتی اطلاق می‌شود که دولت اسلامی از زمین‌هایی موسوم به «اراضی خراجیه» که به امت و دولت اسلامی تعلق دارد، به شیوه‌های گوناگون مالیات دریافت می‌دارد (Hosseini Beheshti, 1981: 102).

### جزیه

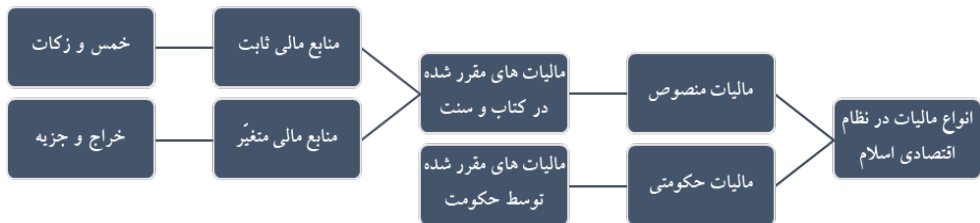
جزیه به مالیات مخصوصی اطلاق می‌شود که از راه قرارداد مشخصی، از اهل ذمه یا اهل کتاب ساکن در کشور اسلامی اخذ می‌شود (Raei & others, 2020: 343). به باور شهید بهشتی جزیه به مفهوم مالیات سرانه یا مواردی از قبیل آن است که افراد غیرمسلمان ساکن در سرزمین اسلامی موظف به پرداخت آنها به دولت اسلامی باشند (Hosseini Beheshti, 2010: 579). به عبارت بهتر شهید بهشتی بر این عقیده است که بر طبق آیه ۲۹ سوره توبه افراد غیرمسلمان چنانچه بخواهند در کشور اسلامی سکونت گزینند و از امنیت و سایر منافع حکومت اسلامی بهره‌مند شوند، باید در تأمین هزینه‌های عمومی مملکت اسلامی شرکت کرده و به حکومت اسلامی مالیات بپردازند که به این نوع مالیات جزیه گفته می‌شود. این مالیات صرفاً به غیرمسلمانان اختصاص دارد؛ زیرا ایشان به مانند مسلمانان موظف به پرداخت زکات نیستند، بنابراین به جای آن جزیه می‌پردازند و به نحوی جزیه معادل عبادت مالی و زکات غیرمسلمانان تعبیر می‌شود (Hosseini Beheshti, 2021: 153-154).

## مالیات‌های حکومتی

این گونه از مالیات‌ها به منابع مالی اطلاق می‌شود که به صورت مشخص و معین در فقه امامیه از آنها نام برده نشده و حکومت اسلامی به موازات مالیات‌های منصوص اسلامی، آنها را پایه‌ریزی و اعمال می‌نماید. اساس ایجاد این نوع مالیات، نگاهبانی و تأمین مصالح و منافع عمومی بوده و در فقه امامیه، شخص ولی فقیه متکفل تشخیص این مصلحت می‌باشد. فلذا گستره مالیات‌های حکومتی وسیع‌تر از مالیات‌های منصوص همچون خمس و زکات تلقی می‌شود (Raei & others, 2020: 350).

شهید بهشتی در خصوص این نوع از مالیات‌ها عقیده دارد: «هرگاه خمس و زکات و درآمدهای دولت اسلامی از منابع طبیعی، مخصوصاً نفت و معادن دیگر و نظایر اینها برای تأمین هزینه‌های عمومی کافی نباشد، دولت اسلامی با رعایت مصالح عمومی به تصویب مجلس شورای اسلامی، مالیات‌های دیگر وضع می‌کند» (Hosseini Beheshti, 2009: 471). از نظر ایشان، هرگاه حکومت اسلامی مشاهده کند که در جامعه، کار مهمی بر زمین مانده است و نیاز به تأمین مالی دارد و مالیات‌های منصوص اسلامی نیز کفاف جبران این هزینه‌ها را نمی‌دهد، بر اساس مبانی ولایت فقیه در فقه امامیه، حکومت اسلامی می‌تواند مالیات‌های معینی را وضع و دریافت نماید؛ چراکه ولی فقیه مسئول اداره جامعه بوده و برای تأمین نیازهای جامعه تمام سعی و تلاش خویش را مصروف دارد که از ملزومات این مدیریت، وضع مالیات به شمار می‌رود (Hosseini Beheshti, 2018 (B): 124).

## شکل (۱) - انواع مالیات‌ها در نظام اقتصادی اسلامی



### نظرات فقهی درباره وضع مالیات از سوی حکومت اسلامی

یکی از مسائل مهمی که فقهای اسلام اعم از مکتب امامیه و سایر مذاهب اسلامی درباره آن به بحث و بررسی پرداخته‌اند، مسئله مشروعیت وضع مالیات از جانب نظام حکومت اسلامی است. در همین زمینه دو نظر عمده در میان فقها وجود دارد. دسته‌ای از فقها وجود منابع مالی اسلامی از قبیل انفال و ثروت‌های عمومی و مالیات‌های منصوص اسلامی را برای اداره جامعه اسلامی کافی دانسته و از این رو دیگر نیازی به وضع مالیات جدید از سوی دولت وجود ندارد اما در مقابل عده‌ای از فقها با استناد به لزوم وجود حکومت اسلامی و عدم امکان استمرار آن بدون اخذ مالیات و نیز عدم کافی بودن اینگونه منابع مالی شرعی، جعل انواع مختلفی از مالیات‌های حکومتی (نامقدّر) را لازم و ضروری دانسته‌اند (Rostami, 2022: 78-79; Rezaei, 2003: 64-65) که در ادامه به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

### کفایت مالیات‌های منصوص و عدم نیاز به وضع مالیات جدید

برخی از فقهای مکتب امامیه و مذاهب اسلامی سخن از عدم مشروعیت و نیاز به جعل مالیات جدید یا به تعبیری مالیات‌های حکومتی توسط حکومت اسلامی به میان آورده و اعتقاد دارند که در مکتب اسلام همه منابع مالی از جمله مالیات‌های منصوص اسلامی معین شده و از این رو کسی نمی‌تواند تحت هیچ شرایطی اقدام به اخذ مالیات از مردم به عنوان مالیات حکومتی بنماید. از جمله این افراد می‌توان ضحاک بن مزاحم (ابن مزاحم، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۱۶۹) از تابعان (متوفای ۱۰۵ق) و برخی فقهای معاصر مانند عبدالرحمن العاصمی (عاصمی ۱۳۹۷، ج ۳: ۳۴۲) از فقهای حنبلی (متوفای ۱۳۹۲ق) و آیت الله آذری قمی (آذری قمی، ۱۳۶۴: ۶۷-۵۰) از فقهای امامیه (متوفای ۱۳۷۷ش) قائل به این دیدگاه هستند. (Rostami & others, 2023: 321).

شهید بهشتی در تشریح اعتقاد این دسته از فقها چنین بیان می‌دارد: «بسیاری از فقها این‌گونه نظر می‌دهند که مالیات‌های اسلامی همین مالیات‌هایی است که در کتاب و سنت از آن نام برده شده است و اگر در یک نظام اجتماعی، همه کسانی که مالیات به آنها تعلق می‌گیرد این مالیات‌ها را بپردازند، کافی است و جای خالی باقی نمی‌ماند. همه‌ی کسانی که درآمد بیش از هزینه دارند، و آنهایی که معدن استخراج می‌کنند، آنهایی که صید لؤلؤ و مرجان و امثال آن می‌کنند، کسانی که مال مختلط به حرام پیدا می‌کنند، آنهایی که کنز و گنجی می‌یابند و امثال آن، اگر بیست درصد آن را بپردازند و آنهایی که زکات به ایشان تعلق می‌گیرد، حتی در همین نه مورد معین با شرایط آن و طبق همین حدود مشخص اسلامی، اگر بدهی‌شان را بپردازند و این مالیات‌ها را بدهند، همه کمبودها تأمین می‌شود» (Hosseini Beheshti, 1981: 103).

برخی دیگر معتقدند که وضع مالیات از باب احکام ثانویه است؛ لذا تا ضرورت ایجاد نکند، گرفتن مالیات از



سوی دولت جایز نخواهد بود. این گروه کاهش درآمدهای دولت را امری موقتی دانسته و نیاز به جعل مالیات را فقط برای تأمین کمبود مالی دولت در زمان‌های محدود دانسته و امر سیاست‌گذاری مالی دولت که متفرع بر وجود مالیات با نرخ متغیر است را نادیده پنداشته‌اند (Rostami, 2023: 79).

مرحوم آیت‌الله آذری قمی در همین رابطه اظهار می‌دارد: «اسلام حکومت دارد و حکومت وظایف و مسئولیت‌هایی دارد و برای انجام آنها وجوه و مالیات‌هایی وضع کرده است و حاکم را فقط مجری برنامه‌های اسلام قرار داده که تخطی از آنها جایز نیست مگر آنکه مشکلات و ضرورت‌هایی در رابطه با اجرای احکام اسلام که عقل قطعی و نقل آنها را پذیرفته باشد پیش آید که حاکم اسلام به عنوان ضرورت و حکم ثانوی، هم مسئولیت‌ها را بپذیرد، و هم در صورت کمبود مالیات‌های اولی اسلامی، هزینه آن را، به عنوان ثانوی از مردم بگیرد» (Azari qomi, 1985: 55).

همچنین برخی دیگر از معتقدین این دیدگاه قائل به این هستند که: «ما در مراجعه به فقه اسلامی عنوانی به عنوان مالیات بر درآمد مردم نمی‌بینیم بلکه در مقابلش به حکم اجماع و نص، اصالت عدم جواز تصرف در مال غیر بدون مجوز شرعی را مشاهده می‌کنیم همانطوری که در توقیع مبارک امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است: «لا یحل لأحد ان یتصرف فی مال الغیر بغیر اذنه» و دعوای آنکه تصرف ولی فقیه در مال مردم، تصرف در مال غیر نیست بلکه تصرف در مال خود است، بسیار بعید می‌نماید زیرا او از باب ولایت، با ملاحظه مصالح منظوره حق تصرف در مال غیر را دارد، نه آنکه خود مالک می‌باشد و هیچ بعید نیست که این حق تصرف، برحق تصرف مالک نیز اولویت داشته باشد، حتی ممکن بگوئیم در ابتداء امر عنوان عام حکومت اسلامی و ولی فقیه مالک، در عرض مالک اصلی نیستند اما بعد از جواز تصرف و اقدام بر این تصرف شرعی، مال گردند. باری این نحو جواز تصرف بدون حصول عنوان مالکیت، بدون شک برای ولی فقیه ثابت است مثل ولایت بر ممتنعین چون ولایت بر ممتنع از پرداخت زکات یا ممتنع از تحویل گرفتن ثمن در بیع خیار یا ممتنع از رفتن ثمن یا ممتن در مدت مقرر یا ممتنع از تقسیم مال مشتری یا ممتنع از مصالحه در مال مختلط و امثال اینها. پس وضع این نحو خراج‌ها و مالیات‌ها همگی با عنوان ثانوی و با ملاحظه اصل احترام مالکیت شخصی و عدم جواز تصرف در آن بدون اجازه مالکش پیش می‌آید و حق تقنین این قانون مانند مالیات بر درآمد با ولی فقیه و ولی امر مسلمین بوده و از فروعات و وظایف اوست» (Alhossieni, 1985: 121).

### عدم کفایت مالیات‌های منصوص و لزوم وضع مالیات جدید

درمقابل نظر پیشین، برخی از فقها بر این عقیده هستند که در روزگار کنونی، محور مخارج دولت‌ها از مواردی که در صدر اسلام وجود داشته، از دایره وسیع‌تری برخوردار است؛ چراکه در عصر امروز دخالت دولت‌ها در امور متنوع و

متعددی بسط یافته و پرداخت یارانه بسیاری از کالاها و خدمات از قبیل انرژی و حامل‌های سوخت، توسعه امکانات زیرساختی نظیر احداث سد، پل، مراکز بهداشتی و درمانی، راه‌سازی و... بر عهده دولت قرار دارد و به جهت اینکه مردم از این کالا و خدمات بهره‌مند می‌شوند، پس می‌بایستی در حد توان خویش هزینه این کالاها را که به نوعی همین مالیات‌های مقرر شده توسط حکومت اسلامی می‌باشد را تأمین نمایند (Rezaei, 2003: 80-81).

امام خمینی (ره) که از فقهای مسلم و برجسته معاصر بوده است، درباره جواز جعل مالیات توسط ولی امر قائل به این نکته بوده‌اند که از آنجایی که پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) در اخذ مالیات و مصرف آن در راه مصالح و منافع جامعه اسلامی دارای ولایت بوده‌اند، خداوند متعال همان ولایت و اختیار را برای شخص فقیه نیز جعل کرده است و به همین جهت، ولی فقیه می‌تواند علاوه بر مالیات‌های منصوص اسلامی، مالیات‌هایی را وضع نماید (Khomeini, 2002: 51).

بنابر مشی نظری امام خمینی (ره) از آنجایی که حکومت، که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول اکرم (ص) است، یکی از احکام اولیه اسلام بوده و مقدم بر تمام احکام فرعیه، حتی نماز و روزه و حج محسوب می‌شود، اموری از قبیل خیابان‌کشی‌ها که مستلزم تصرف در منزل یا حریم آن است یا دریافت مالیات در چهارچوب احکام فرعیه نمی‌باشد و به همین جهت اخذ مالیات بنابر دیدگاه امام خمینی می‌تواند در عرض یکدیگر به لحاظ حکم اولی و ثانوی بودن، باشند (Khomeini, 2000: 451).

نگاهی به نظرات شهید بهشتی نیز گواه همین مطلب است که ایشان همانند امام خمینی درباره مالیات‌ها قائل به در عرض بودن آنها به لحاظ حکم اولی و ثانوی بودن است؛ زیرا ایشان اعتقاد دارند: «معیارها و زیربنای فکری و فقهی ما در رابطه با ادله عامه ولایت و حکومت نسبت به تأمین نیازها ضروری جامعه، اجازه وضع مالیات‌های اضافی را به ما می‌دهد. از این روست که دولت اسلامی می‌تواند مالیات‌های جدیدی وضع کند که در متن روایات و اسلام نام از آنها برده نشده است. به نظر ما، این زیربنای فقهی کاملاً روشنی برای تجویز مالیات‌های نو در نظام اسلامی است» (Hosseini Beheshti, 1981: 111).

شهید بهشتی در تشریح اعتقاد این دسته از فقها چنین بیان می‌دارد: «عده دیگری از فقها معتقد هستند که ممکن است در جامعه اسلامی، نیازهای مالی و هزینه‌هایی پیش آید که با این مالیات‌ها تأمین نشود و در این حالت همه مردم وظیفه دارند در حدود امکانات‌شان در تأمین هزینه‌ها شرکت نمایند» (Hosseini Beheshti, 2018: 120-121). با نگاهی به آثار شهید بهشتی (ره) درمی‌یابیم که ایشان از جمله قائلین به جواز و مشروعیت وضع مالیات جدید توسط حکومت اسلامی علاوه بر مالیات‌های منصوص در کتاب و سنت بوده و دو مبنای مهم برای این مشروعیت قائل هستند: اول. مقتضای اصول عامه مکتب امامیه در بحث ولایت فقیه دوم. تلاش جامعه اسلامی برای استقلال خویش در همه زمینه‌ها و جلوگیری از عدم تسلط بیگانگان بر جامعه اسلامی.

در خصوص مبنای اول شهید بهشتی که خود از جمله قائلین به ولایت مطلقه فقیه بوده است (Hosseini Beheshti, 2018 (B): 177-178). بر این نکته اعتقاد دارد که اگر حکومت اسلامی مشاهده کرد که هزینه مالی در یک مسئله‌ای وجود دارد و تعداد افراد و میزان پرداختی که به صورت داوطلبانه برای کمک به رفع این مخارج می‌نمایند، کفایت نمی‌کند، این اختیار را دارد که با تعیین یک ضریب مشخص مالیات مقرر کند و چنانچه پرداخت نکردند از آنها اخذ کند که این مهم با استفاده از اصول عامه ولایت فقیه و ولایت بر جامعه اسلامی قابل دریافت است (Hosseini Beheshti, 2018 (B): 123 - 124).

ایشان در همین باره به صراحت اظهار می‌دارند: «معیارها و زیربناهای فکری و فقهی ما در رابطه با ادله عامه ولایت و حکومت نسبت به تأمین نیازها ضروری جامعه، اجازه وضع مالیات‌های اضافی را به ما می‌دهد. از این روست که از دیدگاه این دسته از فقها، دولت اسلامی در حد تأمین هزینه‌ی کلیه برنامه‌های عمومی، با توجه به محاسبه مالیات‌ها وصول شده از راه‌های چهارگانه، و همچنین کمک‌های داوطلبانه، اگر مشاهده کرد که کمبود وجود دارد، می‌تواند مالیات‌های جدیدی وضع کند که در متن روایات و اسلام نام از آنها برده نشده است. به نظر ما، این زیربنای فقهی کاملاً روشنی برای تجویز مالیات‌های نو در نظام اسلامی است» (Hosseini Beheshti, 1981: 111).

در خصوص مبنای دوم که خود به نحوی منبعث از مبنای اول می‌باشد شهید بهشتی که خود از جمله قائلین به ولایت عامه فقیه می‌باشد (Hosseini Beheshti, 2018 (B): 68) عقیده دارد که اگر ما قائل به ولایت فقیه در حد ولایت بر غیب و قصر باشیم، لازمه این حرف آن است که جامعه اسلامی به شکل دائمی در زیر حکومت ظلم و جور و کفر و حکومت غیراسلامی باشد در صورتیکه این نکته پذیرفتنی نیست (Hosseini Beheshti, 2018 (B): 68) شهید بهشتی اعتقاد دارد که جامعه اسلامی زمانی می‌تواند مستقل باشد که از لحاظ اقتصادی، سیاسی، تجهیزات دفاعی و... بتواند روی پای خودش بایستد و تا هنگامی که استقلال اقتصادی در جامعه رخ ندهد، استقلال واقعی بدست نخواهد آمد (Hosseini Beheshti, 2007: 249).

یکی از مسائلی که موجب تأمین استقلال اقتصادی جامعه اسلامی می‌شود، بحث مالیات است به‌گونه‌ای که ایشان در همین باره اظهار می‌دارند: «اگر مالیات‌های مقدر {منصوص} چهارگانه که ذکر شد برای تأمین هزینه‌های عمومی دولت اسلامی کافی نبود و دولت اسلامی اعلام کرد که هرکس بیاید و هر مقدار می‌تواند بپردازد، و عده‌های پرداختند و باز هم کافی نبود، آیا می‌تواند بگوید تقصیر از من نیست و مسلمانان همت ندارند و نمی‌شود مملکت را اداره کرد؟ اگر او اداره نکند چه کسی اداره می‌کند؟ هر وقت ما نتوانیم کشورمان را اداره کنیم، یک قیم لازم داریم. یا روسیه، یا انگلیس، یا آمریکا، یا فرانسه، یا آلمان یا این و بالاخره یکی از کبیرها دنیا باید قیم من و شمای صغیر باشد، مگر آنکه ما خود کبیر شویم که کبیر هستیم و اعلام می‌کنیم که ملت مسلمان ما ملت

بالغ و کبیر است که خود، خویشتن را اداره می‌کند و همان فریاد همیشگی «یانکی به منزلت بازگرد» به همه آنها خطاب می‌شود» (Hosseini Beheshti, 1981: 108). بنابراین با بررسی‌های انجام شده مشخص گردید که شهید بهشتی از جمله قائلین به جواز وضع و جعل مالیات‌های حکومتی به شکل عادلانه توسط نظام اسلامی بوده و این امر را در راستای تأمین هزینه‌های جامعه اسلامی قلمداد می‌نماید.

### مالیات در حقوق موضوعه ایران

تأیید از پیدایش حکومت‌های مشروطه، وضع و اجرای مالیات و میزان آن به اراده حکمرانان وابسته بود و مالیات دهندگان از سوی مأمورین دستگاه مالیاتی مورد ظلم و تعدی واقع می‌شدند. استمرار این وضع باعث شد به تدریج اندیشه لزوم اخذ مجوز قانونی برای مالیات مطرح شود که به نوبه خود ظهور حکومت قانون را در پی داشت؛ تا جایی که امروزه اصل قانونی بودن مالیات در قوانین اساسی کشورهای مختلف و حتی اسناد بین‌المللی انعکاس یافته و می‌توان اصل مزبور را مهم‌ترین اصل اساسی مالیات‌ها نام برد (Rostami, 2022: 103-104). در حقوق موضوعه ایران نیز در اصل ۵۱ قانون اساسی و قوانین عادی این مهم مورد تأکید قرار گرفته است که در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرد.

### قانون اساسی

در عصر حاضر قاعده «قانونی بودن مالیات‌ها» در قوانین اساسی کشورهای متعددی انعکاس یافته است که در ایران نیز، مهم‌ترین اصل قانون اساسی که به صراحت درباره وضع مالیات سخن گفته است، اصل ۵۱ قانون اساسی ۱ می‌باشد. در تحلیل اصل یادشده می‌توان اظهار داشت که اساسی‌ترین نکته این اصل، همانا بیان قاعده «قانونی بودن مالیات» می‌باشد. این قاعده بیانگر آن است که وضع هرگونه مالیات و شبه مالیات تنها بر طبق قانون مصوب شده مجلس شورای اسلامی امکان تحقق دارد و قوه مجریه و دیگر کارگزاران حکومتی بدون اجازه قانون به شکل علی‌الرأس، صلاحیت جعل مالیات و دریافت آن از مردم را ندارد. روشن است که مقصود از قانون در اصل ۵۱، قانون به معنای اخص یعنی مصوبه قوه مقننه بوده و مالیات در این اصل به معنای اعم آن یعنی مالیات و دیگر موارد مشابه آن از قبیل عوارض می‌باشد (Rostami, 2022: 107). نگاهی به مشروح مذاکرات اصل ۵۱ قانون اساسی نشان می‌دهد که دغدغه همه اعضا و بالخصوص شهید بهشتی (ره) آن بوده است که صرفاً به موجب قانون مصوب مجلس است که می‌توان از افراد مالیات اخذ نمود و چنانچه هیأت دولت بخواهد مالیاتی را وضع نماید این مورد از صلاحیت ایشان خارج خواهد بود؛ زیرا وضع و اخذ مالیات از جمله وظایف خاص مجلس برشمرده

۱. «هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می‌شود»

شده و حسن این اصل در آن است که وضع هرگونه مالیات خارج از مجلس را نفی می‌نماید (Detailed of the (deliberations of the Assembly Final Review of the Constitution, 1985, vol3: 1411).

### قانون عادی

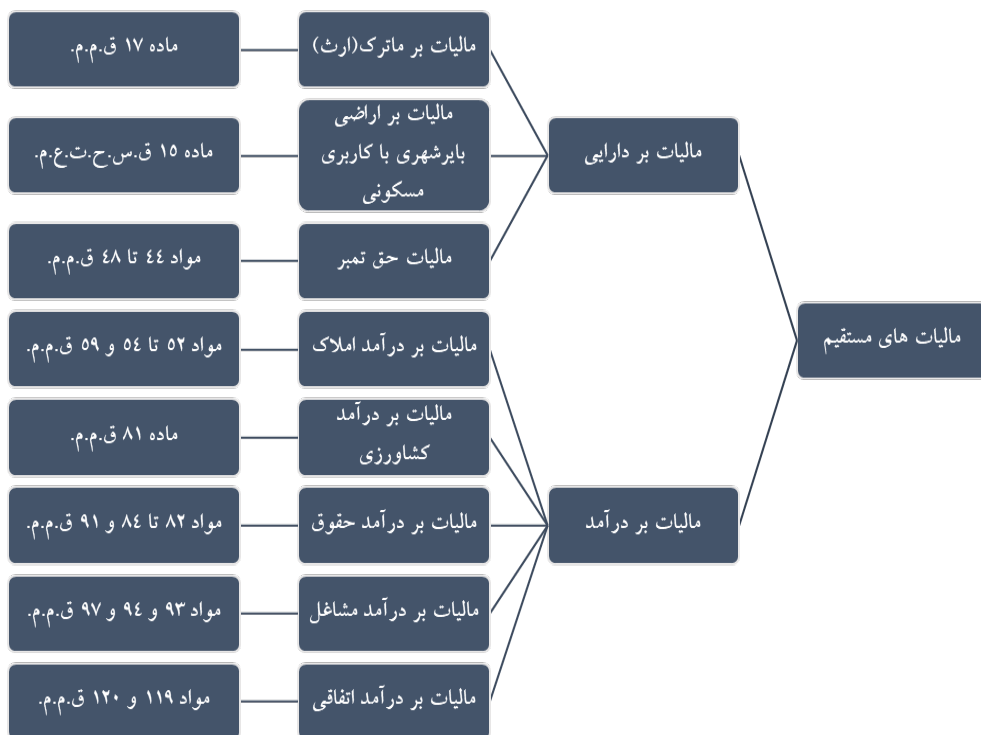
در نظام حقوقی ایران، مالیات‌ها بر مبنای «روش انتخاب مأخذ مالیاتی» (انتخاب حقوقی) به دو دسته مالیات مستقیم و مالیات غیرمستقیم تقسیم می‌شود. در این روش بر اساس نظر قانون‌گذار قوانین مالیاتی مورد تقسیم قرار می‌گیرند و معمولاً به دو قسم مالیات مستقیم و مالیات غیرمستقیم طبقه‌بندی می‌شوند که در ادامه به تشریح هریک پرداخته می‌شود (Rostami, 2022: 118-119).

### مالیات‌های مستقیم

مالیات مستقیم به مالیاتی اطلاق می‌شود که وظیفه تأدیه آن معطوف به شخصی خواهد بود که عهده و ذمه مالیات (از قبیل قرار ضمان) بر عهده او بوده و مؤدی مالیاتی راهی برای تحمیل و واگذاری آن به دیگر افراد نخواهد داشت (Jafari Langroudi, 2007: 602). اصلی‌ترین قانونی که در زمینه دریافت این گونه مالیات وجود دارد، قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۶۶ به همراه اصلاحات بعدی آن است. در این قانون انواع مختلفی از مالیات مستقیم دیده می‌شود که در جدول زیر قابل مشاهده می‌باشد.<sup>۱</sup>

۱. در جدول زیر، علامت اختصاری «ق.م.م.» بیانگر «قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۹۴» و «ق.س.ح.ت.ع.م.» بیانگر «قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مصوب سال ۱۳۸۷» می‌باشد.

## شکل (۲) - انواع مالیات‌های مستقیم در نظام حقوقی ایران



نکته قابل توجه در خصوص مالیات بر دارایی آن است که این گونه مالیات می‌تواند به دو شکل شامل «مالیات بر کل دارایی» و «مالیات بر دارایی‌های خاص» اعمال شود که نوع اول آن اکنون در ایران و سایر کشورها تقریباً وجود ندارد و تنها در مدت کوتاهی بعد از پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تحت عنوان مالیات «تعاون ملی» به موجب قانون «مالیات تعاون ملی برای بازسازی» مصوب ۹/۱۲/۱۳۶۷ برای مدت ۳ سال برقرار شد و دیگر تداوم نیافت؛ فلذا در حال حاضر مالیات بر دارایی ایران از نوع دوم است که شامل موارد فوق در جدول می‌باشد البته در قانون بودجه کل کشور سال‌های اخیر دو مورد مالیات بر خودروها و خانه‌های گران قیمت به آن اضافه شده است (Rostami, 2022: 155).

تحلیل و بررسی نظرات شهید بهشتی ما را بدین مقصود رهسپار می‌سازد که ایشان اصل اولی در تعیین و برقراری مالیات‌ها را در مالیات مستقیم می‌دانند. ایشان در همین باره با دسته‌بندی مالیات‌ها در فقه اسلامی، چنین اظهار می‌کنند: «مقتضای موازین اسلامی این است که این مالیات‌ها را کسانی بپردازند که امکان دادن آنها

را بیشتر دارند، و هر که بیشتر دارد در این مالیات‌ها بیش‌تر سهمیم شود. مقتضای عدل اسلامی این است و این اعم است از مالیات بر درآمدهای خالص که بهترین آنهاست، و یا مالیات بر درآمدهای ناخالص. در مالیات‌های معین اسلامی دو نوع مالیات وجود دارد: یکی زکات که مالیات بر دارایی ناخالص است، یعنی مالیات بر سود نیست. هر کشاورزی که محصول گندم او به حد نصاب برسد، این مالیات از نظر حد نصاب زکات به او تعلق می‌گیرد. دیگر خمس (بر مؤنه) که مالیات بر درآمد خالص است. پس در اسلام هر دو نوع مالیات وجود دارد؛ ولی هر دو نوع این مالیات‌ها مستقیم است و ما این‌گونه استنباط می‌کنیم که اساس در مالیات و نظام مالیاتی اسلام، بر مالیات مستقیم است» (Sarabandi, 2008: 126-127).

به عبارت بهتر شهید بهشتی قائل به این نکته است که با عنایت به وضعیت مالیات‌های اسلامی اصلی از قبیل خمس و زکات که به شکل مستقیم از افراد اخذ می‌شوند، ضرورت دارد تا در مالیات‌هایی که براساس ضرورت و مصلحت جامعه از سوی حکومت اسلامی برقرار می‌شوند، به شکل مالیات مستقیم باشد و پرداخت آن برعهده افرادی باشد که درآمد مشروع بیشتری نسبت به دیگر اعضای جامعه دارند (Hosseini Beheshti, 2009: 440). که با نگاه به مواد مختلف قانون مالیات‌های مستقیم متوجه می‌شویم که مقنن عادی سعی بر آن داشته تا همین نکته شهید بهشتی (ره) را مبنی بر اخذ مالیات به صورت مستقیم و تصاعدی اعمال نماید.

از دیگر سو باید توجه داشت که مالیات‌ها امروزه ابزار سیاست‌گذاری در دست دولت‌ها می‌باشند و برای تخصیص بهینه، تثبیت و توزیع هم کاربرد دارند. بنابراین این امکان وجود دارد که مالیات‌های حکومتی لزوماً دارای همان ویژگی‌های مالیات‌های منصوص از قبیل خمس و زکات نباشند و به نحو دیگری باید این ویژگی را حفظ کرد.

### مالیات غیرمستقیم

این‌گونه مالیات به مالیاتی گفته می‌شود که از اموال و دارایی‌های مصرفی و به جهت عملی همانند تولید، توزیع، صدور و یا ورود به کشور اخذ شده و مؤدی مالیاتی آن را از مصرف‌کننده اصلی یا فردی که می‌خواهد مالیات آن را بپردازد، دریافت می‌کند و در واقع وظیفه پرداخت این نوع مالیات به شکل غیرمستقیم معطوف به شخص مصرف‌کننده خواهد بود (Jafari Langroudi, 2007: 602). مالیات‌های غیرمستقیم تا سالیان زیادی به شکل قوانین و مقررات پراکنده نسبت به برخی از کالاها و خدمات برقرار شده بود. پیش از این اصلی‌ترین قانون در زمینه این نوع مالیات‌ها، قانون «اجازه وصول مالیات غیر مستقیم از برخی کالاها و خدمات» مصوب سال ۱۳۷۴ بود که به موجب قانون اصلاح موادی از برنامه سوم توسعه و قانونی مشهور به قانون «تجمیع عوارض» مصوب سال ۱۳۸۱ نسخ گردید. این قانون نیز درباره مالیات‌های غیرمستقیم به شکل جامع و کامل نبود تا آنکه در سال ۱۳۸۷

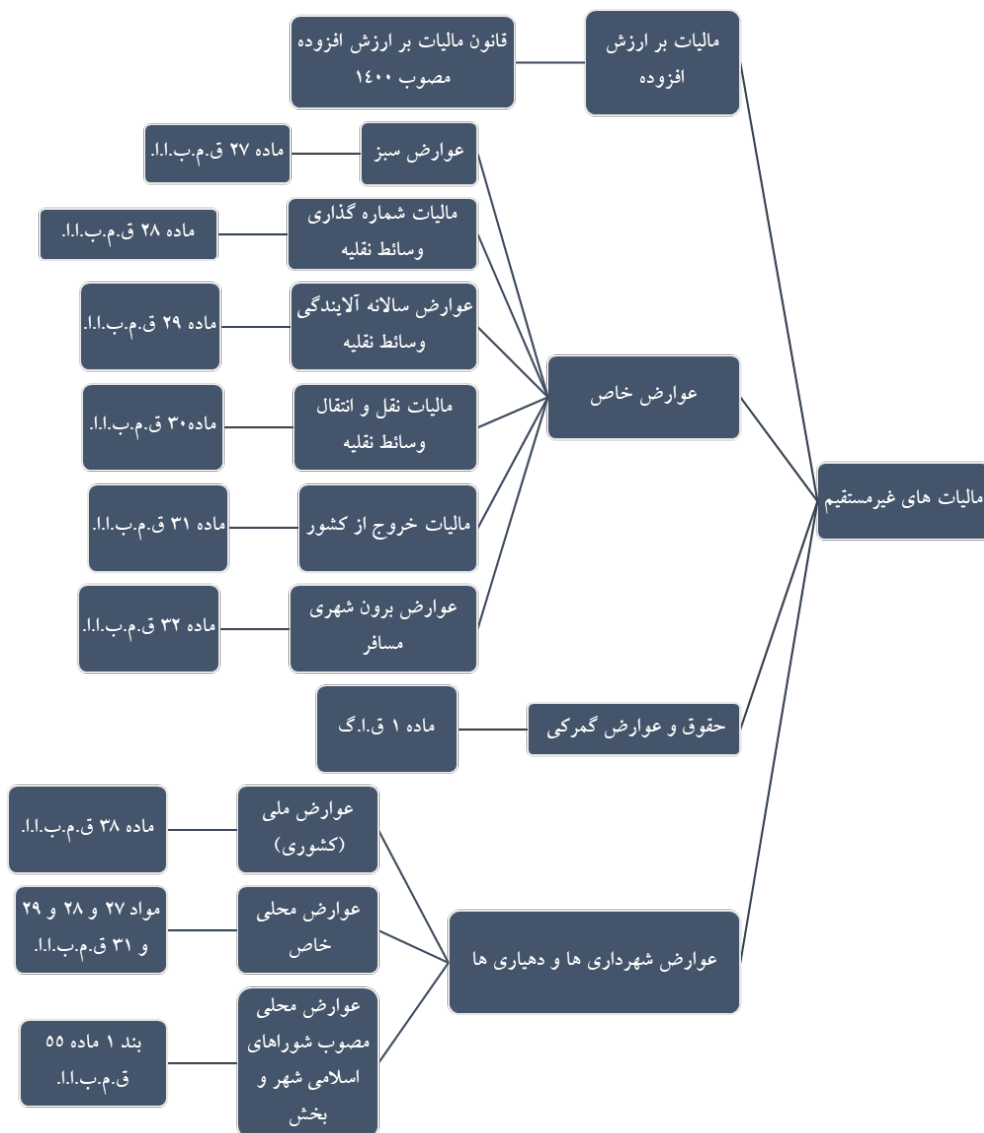
قانون آزمایشی «مالیات بر ارزش افزوده» تصویب شد که بالاخره قانون دائمی «مالیات بر ارزش افزوده» مصوب ۱۴۰۰ جایگزین آن شد که در حال حاضر به عنوان اجلی مصداق و جامع‌ترین قانون مالیات‌های غیر مستقیم نام برده می‌شود (Rostami, 2022: 135-136).

مالیات بر ارزش افزوده گونه‌ای مالیات چند مرتبه‌ای می‌باشد که در مراحل گوناگون زنجیره تولید کالا و یا خدمات از افراد أخذ می‌شود. به عبارت بهتر این نوع مالیات، قسمی از مالیات غیرمستقیم بر مصرف بوده که به همه مراحل تولید و توزیع کالا و خدمات تعلق گرفته و به نحوی یک نوع مالیات بر فروش تلقی می‌شود که خرید و فروش کالاها و خدمات واسطه‌ای و میانه‌ای را پرداخت مالیات معاف می‌دارد. در این نظام مالیاتی هر فروشنده‌ای در هنگام بیع کالا یا خدمات، مالیات تعلق گرفته را بر صورتحساب خریدار افزوده و آن مبلغ مالیات بر ارزش افزوده را که در ابتدا به دولت پرداخت کرده است، همراه با قیمت فروش آن کالا یا خدمت از خریدار أخذ می‌نماید (Habibian Naghibi & Zamani, 2012: 76-77). افزون بر مالیات بر ارزش افزوده، از حقوق ورودی (حقوق گمرکی و سود بازرگانی) یا به تعبیر دقیق‌تر مالیات بر واردات و صادرات و نیز عوارض شهرداری‌ها و دهیاری‌ها به عنوان دیگر مصادیق مالیات‌های غیرمستقیم یاد می‌شود که البته مورد اخیرالذکر در قانون یاد شده آمده است اما از نظر علمی چنین نیست<sup>۱</sup> (Rostami, 2022: 175).

۱. در جدول زیر، علامت اختصاری «ق.م.ب.ا.ا.» بیانگر «قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۴۰۰» و «ق.ا.گ.» بیانگر «قانون امور گمرکی مصوب سال ۱۳۹۰» می‌باشد.



شکل (۳) - انواع مالیات‌های غیرمستقیم در نظام حقوقی ایران



با تعمق در آثار شهید بهشتی درمی‌یابیم که ایشان همانطور که در قسمت قبل مورد تأکید قرار گرفت اصل ابتدایی در برقراری مالیات‌ها را مالیات مستقیم می‌دانند و مالیات غیرمستقیم را در موارد محدود و معدودی درست می‌دانند؛ چرا که وضع مالیات غیرمستقیم را چندان موافق با خط کلی اندیشه اسلامی تلقی نمی‌کنند (Hosseini Beheshti, 2018 (B): 130)

ایشان درباره وضع این گونه مالیات‌ها عقیده دارند: «مالیات غیرمستقیم به معنی واقعی در نظام اقتصادی ما وجود ندارد و هر جا به راستی همه یا بخشی از هزینه طرح‌های عمومی در قیمت‌گذاری يك كالای تولیدی داخلی منظور شود، باید در حد دخالت واقعی آن طرح‌ها در تولید آن کالا باشد. مالیات غیرمستقیم تنها در مواردی از قبیل هزینه‌های گمرکی و سود بازرگانی دولت در کالاهای وارداتی است که مشابه آنها در داخل به اندازه کافی تولید نمی‌شود. در این مورد و موارد مشابه آن، دولت {بر اساس قانون مصوب مجلس شورای اسلامی} می‌تواند مالیات غیرمستقیم وضع کند، آن هم به دلیل ضرورت حمایت از تولید داخلی و حفظ رقابت سازنده و سالم میان تولید داخلی با تولیدات خارج از نظر کیفیت کالا» (Hosseini Beheshti, 2009: 471).

همچنین ایشان در گفتاری دیگر افزودن قیمت هزینه تأمین یک نیازمندی توسط دولت بر قیمت خود نیازمندی را از جمله مالیات‌های غیرمستقیم موافق با نظام اقتصادی اسلامی دانسته و چنین اظهار می‌دارند: «در مواردی که تأمین یک نیازمندی برای دولت هزینه‌ای برمی‌دارد دولت می‌تواند قیمت این هزینه را بر قیمت خود نیازمندی بیفزاید و به مردم بفروشد و این مالیات بدین معنا غیرمستقیم است. برای مثال تولید سیگار برای دولت مقدار معینی هزینه برمی‌دارد. دولت کل هزینه‌ی کشت و خرید تنباکو و تبدیل آن به سیگار و هزینه کلیه اداراتی که در کار تهیه، تولید و توزیع سیگار کار می‌کنند را جمع‌بندی می‌کند و بر سیگاری که تولید می‌شود، تقسیم می‌کند و این مسأله عیبی ندارد. شاید اگر دقت کنیم، این در اصل مالیات نیست، بلکه در حقیقت فروش یک کالا به قیمت تمام شده است. اما اگر علاوه بر همه‌ی این هزینه‌هایی که بر روی قیمت تمام شده‌ی سیگار می‌آورد و در این قیمت منظور می‌کند بخواهد برای تأمین هزینه‌های عمومی دولت نیز به هر سیگار یا هر قوطی سیگار مثلاً ۵ ریال اضافه کند، این مالیات غیرمستقیم است و این نوع مالیات مطابق با زیربنای تفکر اسلامی نیست، زیرا در پرداخت این مالیات آن کس که دارد و آن کس که ندارد هر دو باید زیر یک بار بروند و ما از نظام کلی مالیات در اسلام چنین چیزی را نمی‌فهمیم... بنابراین باید دقت شود که آنچه در قیمت سیگار، قند، شکر، نفت، بنزین و امثال اینها به عنوان مالیات غیرمستقیم از آن نامبرده می‌شود دو گونه است. بخشی که در واقع مالیات نیست و نام آن را مالیات گذاشته‌اند و اگر با همان سیستمی که در خط تولید در کارهای صنعتی هزینه‌ی کالا تا پایان آن حساب می‌شود و حسابداری صنعتی اعمال می‌گردد در مورد سیگار بنزین، نفت، گازوئیل، روغن، روغن موتور و امثال این گونه کالاهایی که دولت تولید می‌کند، حساب شود و در ازای آن پول گرفته شود، اصلاً مالیات محسوب نمی‌شود»

(Hosseini Beheshti, 2018 (B): 130-131).

بنابراین شهید بهشتی مالیات غیرمستقیم را به معنایی که مدنظر ایشان بود و شرح داده شد، موافق با نظام مالیات عادلانه اسلامی نمی‌داند و معتقد است که قیمت تمام شده کالاها و خدمات را اگر با مسامحه بتوان به عنوان مالیات غیرمستقیم در نظر گرفت، این مسئله با اشکال فقهی روبه‌رو نخواهد شد.

### نتیجه‌گیری

از تحلیل و بررسی مطالب یادشده در متن مقاله می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۱. از نظر شهید بهشتی مالیات‌ها در نظام اقتصادی اسلامی بر دو گونه مالیات‌های منصوص (مالیات‌های مقرر شده در کتاب و سنت) و مالیات‌های حکومتی (مالیات‌های وضع شده توسط حکومت اسلامی) می‌باشند.
۲. در خصوص مجوز وضع یا عدم وضع مالیات‌های حکومتی، شهید بهشتی از جمله قائلان به جواز وضع مالیات توسط حکومت اسلامی بوده و معتقد است چنانچه مالیات‌های منصوص برای تأمین هزینه‌های عمومی جامعه و به وجود آمدن یک مسئله جدید کافی نباشد، حکومت اسلامی می‌تواند نسبت به وضع مالیات‌های عادلانه اقدام کند و در این راستا مبنای مشروعیت این اقدام حکومت اسلامی را ناشی از دو اصل ولایت مطلقه و عامه فقیه و نیز لزوم استقلال اقتصادی جامعه اسلامی و جلوگیری از سلطه بیگانگان عنوان می‌کنند.
۳. از نگاه شهید بهشتی مالیات در نظام حقوقی ایران صرفاً می‌بایستی از راه قانون مصوب مجلس شورای اسلامی از افراد اخذ شود و اصل قانون بودن مالیات‌ها نافی صلاحیت وضع مالیات از هر نهاد و قوه‌ای جز قوه مقننه را بیان می‌دارد که این مسئله از مشروح مذاکرات اصل ۵۱ قانون اساسی قابل دریافت و برداشت می‌باشد.
۴. نظام مالیاتی در ایران بر پایه دو نوع مالیات مستقیم و غیرمستقیم وضع شده که به عقیده شهید بهشتی در وضع و برقراری مالیات‌های حکومتی، اصل باید بر آن باشد که مالیات به شیوه مستقیم و از صاحبان با درآمد بیشتر دریافت شود و مالیات غیرمستقیم به لحاظ فقهی با اصول اندیشه‌ای اسلامی سازگار و موافق نمی‌آید اما چنانچه هزینه تأمین کالا بر قیمت تمام شده آن افزوده شود و نیز هزینه‌ها و عوارض گمرگی و ملی و محلی از افراد اخذ شود، این مورد به لحاظ فقهی اشکالی نخواهد داشت.

## فهرست منابع

1. Alhossieni, M, (1985). »Jurisprudential Opinion on Taxes«, Journal of Noor Elm, number. 12, pp. 118-126. (In Persian)
2. Azari qomi, A, (1985). »Tax and its rules«, Journal of Noor Elm, number. 11, pp. 50-67. (In Persian)
3. Ibn Manzoor, M. B. M, (1993). Lasan Al-Arab, Beirut: Dar Al-Sader Press. (Arabic)
4. Jafari Langroudi, M. J, (2007). Legal Terminology, Tehran: Ganj Danesh Library. (In Persian)
5. Habibian Naghibi, M. , Zamani, A. (2012). »VAT from the Islamic Law Perspective«, Journal of Tax Research, number. 20, Issue 15, pp. 73-106. (In Persian)
6. Hosseini Beheshti, S. M. (1981). Islamic Economics, Tehran: Islamic Culture Publishing Office. (In Persian)
7. Hosseini Beheshti, S. M. (2007). Vilayat, Leadership & Rowhaniyat, Tehran: Rowzaneh Press. (In Persian)
8. Hosseini Beheshti, S. M. (2009). Islamic Republic Party (Detailed Positions), Tehran: Rowzaneh Press. (In Persian)
9. Hosseini Beheshti, S. M. (2010). Knowledge of Islam, Tehran: Boqeh Press. (In Persian)
10. Hosseini Beheshti, S. M. (2018. A). Economic System in Islam (Theoretical Discussions), Tehran: Rowzaneh Press. (In Persian)
11. Hosseini Beheshti, S. M. (2018. B). Economic System in Islam (Practical Discussions), Tehran: Rowzaneh Press. (In Persian)
12. Hosseini Beheshti, S. M. (2021). In the Quran school, (Vol. 3), Tehran: Rowzaneh Press. (In Persian)
13. Khomeini, R. , (2002). Vilayate - Fagih, Tehran: Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini (puh). (In Persian)
14. Khomeini, R. , (2000). Sahifeh of Imam Khomeini, (Vol. 20), Tehran: Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini (puh).
15. Darivand, M. S & Tahan Nazif, H. (2023). Analysis of Concept of Law and its Dimensions in the light of Thoughts of Martyr Ayatollah Dr. Beheshti, Quarterly Journal of Islamic Legal Research Paper, Vol. 24, Issue. 1, No. 59 pp. 1-28. (In

Persian)

16. Dadashi Niaki, M. R. (2006). »Taxes and Religious Liabilities«, Journal of Figh & Usul, Volume 38, Issue 3 - Serial Number 73, Pages 107-131. (In Persian)
17. Raci, M. ; Amini, H. A. ; Tavakkuli, A. R. (2020). »An Account of the Governmental Place of Taxes in Imami Political Jurisprudence«, Journal of Islamic Denomination, Volume 6, Issue 12 - Serial Number 12, Pages 336-362. (In Persian)
18. Rezaei, M. (2003). »Government Taxes; legitimacy or illegitimacy?«, Mofid Mail Magazine, Number. 35, pp. 63-84. (In Persian)
19. Rostami, V. , (2022). Public Finance law, Tehran, Mizan Publication. (In Persian)
20. Rostami, V. ; Shafeipoor, A. ; Abshrini, M. (2023), »Taxation in Light of the Comparative Jurisprudence of Islamic Denominations«, Quarterly Journal of Public Law Studies, Volume 53, Issue 1, pp. 307-327. (In Persian)
21. Rostami, V. ; Karbasiun, M. A. (2016). »taxpayers right in the identify and collect taxes process from shia fighh«, Jurisprudence & The Fundaments of the Islamic Law, Volume 48, Issue 2 - Serial Number 2, pp. 249-281. (In Persian)
22. Sarabandi, M. R. (2008). Speeches and Interviews of Ayatollah Doctor Martyr seyed Mohammad Hosseini Beheshti, (Vol. 3). Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. (In Persian)
23. Detailed minutes of the deliberations of the Assembly Final Review of the Constitution of the Islamic Republic of Iran (1985). General Department of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Consultative Assembly, (Vol. 3). (In Persian)
24. Mudarrisi Tabatabaei, S. H. , (1983). Land in Islamic Jurisprudence, Tehran: Islamic Culture Publishing Office. (In Persian)
25. Homan, M. , (1986). Dictionary and Islamic economic terms, vol. 1, Tehran: Publications of the Ministry of Planning and Budget. (In Persian)